



۲۰۱۳/۰۳/۲۵

عبدالحكيم سامع

«بنیاد گرایان افراطی» و «جنگ سالاران» در بازی نو؟

در شرایط و احوالیکه درین روز ها «واهمه» شایعات در باره «پیشگوئی» های بعد از «خروج قوای خارجی» در سال ۲۰۱۴م، سر و جان «جنگ سالاران» و «تنظیم های جهادی» داخل «سیستم ۱۲ ساله» را نیز به لرزه آورده است، گزارشات می رساند که گویا «رهبران» بعضی از گروپ های مسلح «تنظیمی» و «ملیسه بی»، بعبارت دیگر، تعدادی از «جنگ سالاران» معلوم الحال، «اتحاد شمال»، قبل از سال



۲۰۰۱م که حال بر خود نام «حزب» گذاشته اند، اما بدون شک «حزب سیاسی» بمعنی اصلی کلمه نشده اند، در تحت لوحه «متحدین ضد حامد کرزی رئیس جمهور»، «مذاکراتی را با همرزمان و «برادران عقیدوی» آنها، نظیر طالبان و گلبدین حکمتیار شروع کرده اند». از جانب دیگر علایم مشهود از جریان وقایع روز چنین «انتباه» بدست می دهد، که افراد وابسته به «بنیادگرایان» اسلامی، نوع «گلبدین حکمتیار» و غیره متحدان او، دور محور حاکمیت کنونی، رئیس جمهور افغانستان را چنان شعله ور ساخته اند، که خطر سوختاندن همه رشته های ارتباط متصور

می باشد، که اقل در طی مدت ۱۲ سال، بخصوص با «ایالات متحده آمریکا» و غرب ایجاد گردیده است.

بحران بیش از سی و پنج سال، شاهد، صحنه های بی شماری از «نزدیکی» و «دوری» بین این «برادران اخوانی سنی» و



«حزب الله های شیعه»، نیز بوده است. از همان آغاز، همانند جناح های «چپ»، این «برادران اسلامی» نا برادر، بمثابة «حامله بحران»، در برابر همدیگر به دروغ و فریب، معامله، دشمنی و خونریزی، بخاطر حفظ قدرت، ادامه داده اند. از سال ۱۹۹۲م ببعده، بطورمشهود «تسمه های» رنگا رنگ «اقلیت های ایتنی» را هم، برای تزئین لباس های «تظاهر» آنها بکار می برند. گاهی «قطعه» های بازی «شیعه» و «سنی» و گاهی، «قطعه» های «ایتنی» مربوط خود را، پیش می کشند. از «قطعه ایتنی»،

واضح تر از سابق، اینبار با «حمایت بین المللی»، همین سه «نماینده» از راست به چپ: محقق «هزاره»، جنرال عبدالرشید دوستم «ازیک» و احمد ضیاء مسعود، برادر احمد شاه مسعود و داماد برهان الدین ربانی، «تاجک»، در ۱۲ سال اخیر، بیشتر از دیگران، بعد اعظمی استفاده نمودند. دولت فاسد فعلی، یکی از شهکاری های «هنری» «تنظیمی» و «مافیائی» آنها، شمرده شده می تواند. این دستگاه که توسط افراد آنها بر حسب تناسب نفوس «ایتنی» و «تنظیمی» اشغال گردیده است، یکی از اسباب فاسد حفظ قدرت آنها، درپهلوی تشکل های «تنظیمی» آنها، محسوب می گردد.

بر رویت تصویر فوق، در قطار «جهادی دیروز»، دو «نماینده»، یعنی «آقای محقق»، مربوط تنظیم های «نه گانه شیعه»، بعداً هشتگانه مستقر در ایران (وقتی «آیت الله محسنی قندهاری»، رهبر تنظیم «حرکت اسلامی افغانستان» از آنها، راه خود را جدا ساخته است، دفاتر تنظیم خود را، از ایران به پاکستان انتقال داد، هشتگانه یاد شد)، «آقای احمد ضیاء مسعود» از بنیاد گرایان تند رو «سنی»، مسمی به عضو اتحاد «چهارگانه» در داخل تنظیم های «هفتگانه»، مستقر در پاکستان، در جریان جنگ علیه قوای شوروی، بعد از گروپ «حزب اسلامی» (حکمتیار)، در همان گروپ قسمی «چهار گانه»، مستقر در پشاور، مقام دوم را داشته است. تنها از اختلافات بین «حکمتیار» و «مسعود» و رد پای خونین آنها، که نه تنها در کشتار مردم ما، در تاریخ «جهاد اولی» از خود بجای مانده اند، بلکه از قتل و قتل داخلی «تنظیم های» آنها همچنان، می توان کتاب ها نوشت، «حکمتیار» و پیروان او، «مسعود» را بخصوص به ارتباط عقد «پروتوکول ها» با «قوای شوروی»، به باد حمله

د پانوی شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې ښي پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

می گرفتند و افرادش او را «جاسوس روس» می دانستند. نقطه اختلاف دیگر این دو، را می توان همچنان، در سازمانهای بین المللی در شرق میانه، جایی که احمد شاه مسعود تعلیم نظامی و فعالیت های «تروریستی» و جنک های «چریکی» دیده بود، جست و جو نمود.

جنرال عبدالرشید دوستم، که مهر «کمونیست» بر پیشانی او کوبیده شده است، با تشکیل سازمان جدید، «جنبش ملی اسلامی»، به نسبت سابقه او با رژیم ای که خود در سقوط آن سهم عمده داشت، برادران «تیکه دار اسلامی» در برابر و بنابر همین نقطه، بد گمان اند. ولی جبهه مشترک او با «گلبدین حکمتیار» در نیمه اول دهه نود قرن بیست، علیه حکومت برهان الدین ربانی و احمد شاه مسعود، حتماً «چینل های» ارتباطی را حفظ نموده اند. عبدالرشید دوستم در رژیم «چپ» و زمان حضور قوای شوروی، به رتبه «جنرالی» رسیده است، با استعداد و مهارت ای که در «تغییر جبهه» دارد، در اذهان عامه بعنوان بی پروائی و «خیانت» در برابر «رهبران» خود، شهرت کسب نموده، با هریک آنها هم در یک صف جنگیده و هم چنان بر ضد هر یک، تا وقتی زنده باشد، این کار را هر زمانی که بخواهد، انجام می دهد. اینکه جوانب «مذاکره» امروز با او چگونه اعتماد خواهند کرد، به آینده باید سپرده شود.

«آقای محقق» با کسانی در مذاکره می نیشند، که پیروان و «رهبران حزب او» در قدم اول جانب مقابل را «قاتلین»، رهبر آن حزب، «عبدالعلی مزاری»، قاتلین در حنک «غرب کابل» چون «افشار»، «چنداوول»، «یکاولنگ» و یا «مزار شریف» می دانستند. بهمین ترتیب احمد ضیاء مسعود، قتل «احمد شاه مسعود» را از جانب دوستان جانب «مذاکره»، یعنی «القاعده» می دانست. در کنفرانس «بن»، «اتحاد شمال»، مانع اشتراک «نمایندگان طالب» در پروسه بعدی گردیده، در طول همین ۱۲ سال، افراد آن همواره «رئیس جمهور خود را» مورد اعتراض قرار می دادند، که «طالب را برادر خود» می دانست و خواهان «مذاکره» بوده است. اما آنها با همین حلقه «بنیادگرای» مذهبی، مخالفت می نمودند.



حال با تفاوت از وضعیت سال ۱۹۹۲م، که در چور و چپاول برخی ازین «برادران»، متحد جمعیت اسلامی تحت رهبری برهان الدین ربانی طعمه بزرگتر دریافت داشته اند، متعاقباً در جنگ داخلی در مرحله بعدی، خاصاً در جریان جنگ های بعد از سال ۱۹۹۴م، بین «حکمتیار - دوستم- حزب وحدت» با «ربانی - مسعود» و «سیاف» و غیره، رد پای خونین گذاشته اند. حوادث «شمال» بطور نمونه، حین «پیشروی» طالبان در آن مناطق، کشتار «جمعی» در مناطق تحت «کنترول» حزب وحدت، بشمول کارمندان «فلسلگری ایران» در مزار شریف، که فضای خطر جنگ بین ایران و طالبان را بوجود آورد، بیشتر از همه موضوع «اجساد» در «دشت لیلی»، به «چاه نداختن» بیش از «دو هزار جنگی» «طالب» و یا در جریان عملیات مشترک «نیرو های اتحاد شمال»، با قوای خارجی، علیه «طالبان»، از قتل و قتل در «قندوز» گرفته تا قتل در «کانتینرها» و یا در حوادث «شورش» زندانی های «طالب» در زندان «قلعه جنگی» و غیره و غیره، نمایانگر «صداقت» این «مجاهدین» و «برادران دینی»، علیه همدیگر و جنایات بی پایان علیه وطن و مردم ما را برملا می سازد. (این عکس را، «بی.بی.سی.»، روز سه شنبه ۲۷ نومبر ۲۰۰۱م منتشر ساخته است، طوریکه در همین روز کنفرانس «بن» نیز افتتاح گردیده است، گزارش می دهد که «سازمان عفو بین المللی» خواهان ارزیابی، «شورش» در زندان «قلعه جنگی» گردیده است. درین حادثه که قوای «اتحاد شمال»، «ایالات متحده» و «قوای برتانوی» علیه شورش زندانیان «طالب» سهمیم بوده اند، از کشته شدن «صدها طالب» تذکر داده می شود)

کنفرانس «بن» در شرایطی تدویر یافت که «اتحاد شمال» بحیث «متحد قوای خارجی» متذکره در جنگ علیه «طالبان» مشغول بوده اند، با ممانعت از جانب «اتحاد شمال»، در اشتراک «طالبان» در مذاکرات و در حکومت بعدی، مواضع حاکم را در «سیستم» اشغال نمودند.

قابل توجه است، که اگر چنین مذاکرات بطور «جدی» بین «مهره های» فوق با جوانب متذکره صورت گرفته باشد، یا صورت گیرد، تفاوت های جدید، در مواضع برجسته می گردد. افراد فوق، «مهر» همکاری با قوای خارجی و کسب امتیازات، نفوذ در دستگاه اداری، ثروت اندوزی و بخصوص غصب تصرف املاک یا اموال غیر منقول، بشمول، زمین

د پانو شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

دزدی، را با خود حمل می نمایند. جانب مقابل علاوه از آنکه از «پیوند خارجی» مصئون نخواهد ماند، بیشتر به اعمال انتحاری، بشمول کشتن رهبر «جمعیت اسلامی»، برهان الدین ربانی در مرحله دوم، یعنی دوباره «احیای جنگی های طالب و غیره، مورد سؤال قرار خواهند گرفت.



بهر صورت، موقف فعلی ای که «رئیس جمهور افغانستان» اختیار نموده، تلاش می ورزند، تا قدرت «بزرگ»، یعنی «ایالات متحده امریکا» و «ناتو» را در مسایل افغانستان، «بی اعتبار» سازند، چنین احتمال دارد، که نقش، «بازیگران منطقی»، چون ایران و پاکستان بر «برادران جهادی» و «اسلامیست ها» اثر بیشتر داشته

باشند. تحولات ای که در منطقه و جهان رخ داده است، ممکن است، موضوع «پایپ لاین انتقال گاز ایران به پاکستان» هم که «مهر صلح»، بر آن کوبیده اند، نقش عمده داشته باشد. نیازمندی عاجل پاکستان به «گاز» و وفاداری «گلبدین حکمتیار»، «حقانی» و «طالبان» با پاکستان، از یک طرف و موقف «خصمانه» ایران و این افراتیون بنیادگرای، با «ایالات متحده امریکا»، از جهت دیگر، ممکن بازی منطقی، بنیادگرایان را، تقویت بخشیده باشد. ایران بیشتر بر افراد فوق و پاکستان بیشتر بر جانب مقابل، سایه افکنده است.

نقطه دیگری بعنوان بنیاد مشترک آنها، علاوه از اصول عام و ادعا های «اخوانی» و «برادری» و احتمالاً یادی از «خاطرات جهاد»، موضوع «قانون اساسی» است. «گلبدین حکمتیار»، قانون را ساخت «دست امریکا و ناتو» می داند، در «قانون» تعدیلات می خواهد، «طالبان» آنرا کاملاً رد می کنند. گروپ شامل عکس فوق،



از همان آغاز، با سیستم «ریاستی» و «مرکزیت» موافق نبوده اند، تغییرات در «سیستم» را، در جهت «فیدرالی» و «پارلمانی» میخواهند.

(«گلبدین حکمتیار» و «ملا عمر»)

در صورتیکه رئیس جمهور و حلقه محدود دور حاکمیت فعلی، با موضعگیری فعلی ادامه دهند، روشن نیست که کدام نیرو از «دستاوردهای»، این ۱۲ سال، که همیشه تأکید بر پذیرش قانون اساسی، از جانب مخالفین، در شرایط «مذاکره» یاد می شد، حمایت خواهد کرد. بدین ترتیب، مجموع «اداره سیاسی» فعلی، تحت خطر سرنگونی قرار گرفته است و افغانستان، بار دیگر در قید «بنیادگرایان» معلوم الهویت قرار خواهد گرفت. همه مناسبات ای که تا اکنون با کشور های «غیر اسلامی» ایجاد گردیده است، با خطر «انحلال» روبرو خواهد شد.

پایان

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلېکنی د لېکنيزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ